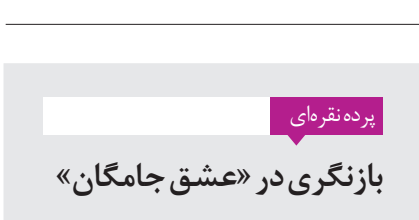


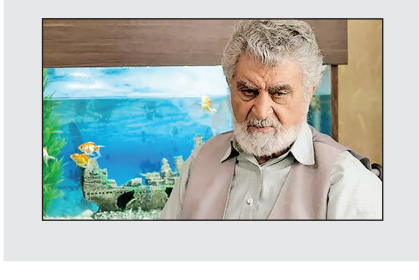
«**برف بی صدا می بارد**» متوقف شد

شبکهٔ ۳سیما در حالی از آغاز پخش سریال «حکم رشد» خبر داده که پخش سریال «برف بی صدا می بارد» را پس از ۲ ماه وقفه، متوقف کرده است. فصل اول برف بی صدا می بارد به کارگردانی پوریا آذربایجانی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی در ۱۰۰ قسمت تولید شده و تاکنون ۶۸قسمت از آن اسفند ۱۴۰۰ به پخش رسیده است. قرار گرفتن این سریال در دو مناسبت نوروز و رمضان پخش آن را با تأخیر مواجه کرد، اما جایگزین شدن سریال دیگر و نیمه‌کار ماندن پخش این سریال حکایت از این دارد که شبکهٔ ۳ به پخش ادامه این سریال رضایت نداده است. پخش برف بی صدا می بارد به‌عنوان سریال بلند تلویزیون از آن پدای می‌شود، قرار بود پس از ایام رمضان از سر گرفته شود اما به‌نظر می‌رسد به دلیل مشکلات تولید، سرنوشته پخش و تولید ادامه این سریال با چالش مواجه شده است. این سریال که به نویسندگی مرحوم مسعود بهبهانی‌نیا به رشته تحریر درآمده، شامل ۴فصل بوده که داستان فصل اول آن در ۱۰۰ قسمت از سال های ۶۹ تا ۶۹ روایت می‌شود و فصل دوم آن در ۱۵۰ قسمت به در زمان حال روایت شده است. در حالی که کمتر از ۳۰ قسمت به پایان پخش فصل اول باقی نمانده، خبری از ساخت فصل دوم منتشر نشده است. فرهاد آیدین، الیکا عبدالرزاقی، پوریا پورسرخ، مائده طهماسبی، پاشا رستمی، پوریا شکیبایی، پانته‌ا سروس، فریا متخصص، امید روحانی و… از جمله بازیگران این سریال هستند.



بازنگری در «عشق جامگان»

محمد متوسلانی ، تهیه‌کننده فیلم «عشق جامگان» که به تازگی پروانه ساخت خود را کسب کرده است در گفت‌وگویی درباره روند تولید این فیلم توضیح داد: «در پیش تولید به سر می‌بریم البته به‌عنوان تهیه‌کننده این اثر معتمد که فیلمنامه نوشته شده توسط روبین تن نیاز به بازنگری و تامل بیشتری دارد. هم‌اکنون کفایتی کامل شود تا نتیجه نهایی نیز خوب از آب دربیاید». به گفته متوسلانی در این فیلم ما بازیگر، چهره نیست و از بازیگران تئاتر دعوت به همکاری می‌شود. این فیلم جزو فیلم‌های سینمای بدنه نیست و در حقیقت مربوط و متعلق به عاشقان سینماست. از همین حالا نیز توقع اکران خاص و آن چنانی نداریم. قطعا این فیلم مخاطب خاص خود را دارد، البته این به این معنی نیست که مخاطب عام نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. ما در این اثر به‌دنبال عوامل تجاری و پولساز نبودیم و تمام اتفاقات با توجه به خواسته‌ها و اولویت‌بندی ما صورت گرفته است.



نوا

هما یون شجریان

روی صحنه می‌رود

کنسرت گروه موسیقی «سپاوش» به سرپرستی و خوانندگی همایون شجریان در حالی در دبی برگزار شد که این خواننده بزودی در تهران روی صحنه خواهد رفت. همایون شجریان، پیش از این و هم‌زمان با آغاز قرن جدید در کشورهای بلژیک، فرانسه و هلند به اجرای برنامه پرداخته بود. مهیار طریخی (نوازنده سنتور)، حسین رضایی‌نیا (نوازنده دف)، آیین مشکاتیان (نوازنده تنبک)، مهرزاد اعظمی کیا (نوازنده کمانچه) و آزاد میرزاپور (نوازنده تار و عود) از جمله هنرمندانی هستند که در این مجموعه کنسرت‌ها، شجریان را همراهی می‌کردند. گروه سپاوش به سرپرستی همایون شجریان ازجمله عودهای سازخته‌شده موسیقی ایرانی طی سال‌های گذشته است که در سال‌های آغازین دهه ۹۰ اجراها و برنامه‌های زنده زیادی را پیش‌روی مخاطبان قرار دادند که از آن جمله می‌توان به مجموعه کنسرت‌های آیین‌ها به اهتگسازی کیخسرو و سهراب پورناظری اشاره کرد.



فرهنگ



امیر حسین رستمی از حضورش در سریال «جناب‌عالی» می‌گوید

«جناب‌عالی» فقط کمدی نیست

گفت‌وگو

هلیا نصیری

روزنامه‌نگار

«جناب‌عالی» حضور دارد. رستمی متولد دههٔ ۵۰ است و فعالیتش را از دههٔ ۸۰ شروع کرده و با کارگردانان تلویزیونی قابل‌قبولی کار کرده است. البته در کارنامه سینمایی هم بازیگر تقریباً پر کاری بوده و در صحنه تئاتر هم حضور داشته. امیر حسین رستمی درباره حضورش در «جناب‌عالی» می‌گوید هر کس می‌تواند مایه‌های «گرچی»‌ها را در محیط کاری خود بیابد؛ کسانی که مشغول سنگ‌اندازی هستند چون هرچه کارها به‌سامان و روی مدار نیاشد، به نفع آنهاست. قطعا هنگام ساخت سریال «گرچی»‌هایی وجود داشتند تا نگذارند این اثر ساخته شود. رستمی در گفت‌وگوش از نقش‌اش هم می‌گوید و اینکه «امیر علی من را برای حضور در این سریال جذب نکرد بلکه عادل تبریزی باعث شد در این سریال حضور پیدا کنم. من شیفته کار با عادل بودم نه بازی در نقش امیر علی‌عالی. «این جملات را امیرحسین رستمی در گفت‌وگو با ما بیان کرده است؛ بازیگری که اثر کمدی در کارنامه‌اش کم ندارد و در ماه رمضان نیز با سریال کمدی – سیاسی جناب‌عالی میزبان مخاطبان خود در تلویویون پلاس بود. هم‌زمان با قسمت‌های پایانی این اثر با این بازیگر به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

آقای رستمی! تعداد آثار کم‌دی‌ای که شما در آن بازی داشته‌اید، بیشتر از حضور شما در تولیداتی غیر از این ژانر بوده است. انتخاب شما نتیجه چنین اتفاقی بوده است؟
اساساً آن چیزی که در نقش‌های پیشنهادی برایم اولویت دارد، فیلمنامه، کارگردان و خود نقش است و ژانر در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد پس این انتخاب من نبوده است بلکه عوامل دیگری در این اتفاق دخیل بوده‌اند. در سال‌های اخیر حضور من در تلویزیون تنها منوط به فصل‌های مختلف «ودکش» و «الیسانسه‌ها» بوده و این اتفاق هم بدین دلیل بوده است که قصه‌ها من را راضی به حضور در دیگر پروژه‌ها با ژانر کمدی نکرد.

این نقش آفرینی‌های متعدد باعث شده است مخاطبان از شما به‌عنوان بازیگر طنز یاد کنند…
بله. مخاطب بر اساس چیزی که از یک بازیگر در ذهنش نقش می‌بندد، او را به یاد می‌آورد و چون برای من این اتفاق با سریال کمدی رخ داده است، قطعا این ذهنیت وجود دارد و حتی مخاطبان به من می‌گویند چرادر سریال‌های کمدی که ساخته می‌شود، حضور ندارم و این مسئله نشان می‌دهد مخاطبان دوست دارند کار کمدی از من ببینند. ناگفته نماند که ژانر کمدی هم ژانر طرفداری میان مخاطبان تلویزیون است و شاید تماشاگران بازیگران این آثار را بیشتر به‌خاطر بسازند.

پس می‌توان گفت کارگردان‌ها برای پیشنهادحضور در آثار طنز به سراغ شما می‌آیند؟
مسئال حضور در کارهای موفق کمدی و جدی در حوزه تئاتر و تصویر باعث شده است که این مرحله را که کارگردان‌ها فقط در یک ژانر به من فکر کنند، پشت سر گذاشته باشم.

این روزها شاهد نقش آفرینی شما در

اولویت‌بندی کردیم، آنها را روی کاغذ نوشتیم و مقایسه کردیم. اگر چه ذهنمان بسیار به هم نزدیک بود اما یک نفر به ذهن من و امید نسید و عادل ایشان را پیشنهاد کرد که آن هم منوچهر آذری بود من پس ۱۵۰ سال‌ها ایشان را از نزدیک دیدم و باید بگویم واقعا انرژی به‌قصد تزریق کردند. همچنین باید بگویم بیزن بنفشه‌خواه انتخاب و اولویت ما بود.

از قسمت ششم این سریال ما با امیرعلی عالی متفاوتی به لحاظ ظاهر و رفتار رو به‌رو می‌شویم. آیا می‌توان گفت ما با امیرعلی در سریال مواجه هستیم؟

ما در ابتدا با یک امیرعلی مواجه هستیم که به‌دنبال کار است سپس امیرعلی‌ای داریم که بیک موتوری است و بعد از آن او در مقام سرپرست وزارت هماهنگی می‌بینیم. ما روی تغییراتی که برای این شخصیت رخ می‌دهد بسیار فکر کردیم و خودمان را جای او گذاشتیم تا متوجه شویم آیا امیرعلی که سرپرست وزارت‌تخانه می‌شود، می‌تواند کارهایی مشابه زمانی که بیک موتوری بود انجام دهد یا نه؛ چراکه امیرعلی در قالب سرپرست وزارت‌تخانه زیر دید مردم است و به‌عنوان الگو به او نگاه می‌شود پس بسیاری از کارها را نمی‌تواند انجام بدهد. بنابراین برای مصورتی برنامه‌ریزی پیش رفتیم، راکورد‌های حسنی را روی کاغذ می‌نوشتیم و آن را رعایت می‌کردیم.

ویژگی مشترک امیرعلی عالی در هر سه قالبی که در آن قرار گرفت، چه بود؟

صداقت.

شخصیت امیرعلی عالی اگر چه می‌تواند مایه‌ازایی در جامعه داشته باشد اما شاید تعداد آنها به انگشتان دو دست هم نرسد و حتی در سال‌های اخیر آنها را ندیده باشیم. نظر شما چیست؟

– من قضیه را تا این اندازه سیاه نمی‌بینم. ایران ۸۵میلیون نفر جمعیت دارد و من حتی با این سخن شما که تعداد این افراد به اندازه انگشتان دو دست هم نیست، مخالفم و نمی‌پذیرم اما باید بگویم آنقدر این افراد در اقلیت هستند و زورشان کم است که به چشم نمی‌آیند. البته اگر کمی انرژی بگذاریم و جست‌وجو کنیم، در دانشگاه‌هایمان به امیرعلی عالی‌ها برخورد می‌کنیم؛ یعنی کسانی که وارد دانشگاه شهید بهشتی شویم و از دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف بیرون بیاییم، پس می‌توان که تعداد زیادی «امیرعلی عالی» رسید.

همچنین شاید بتوان گفت تعداد استنادی که این فرصت را در اختیار شاگردان نخبه خود می‌گذارند کم بوده است؛ یعنی امیرعلی اگر توانست از بیک موتوری به مدارج علمی، نمرات درخشان در زمان تحصیل و پایان‌نامه فرصت سرپرستی وزارت‌تخانه را پیدا کند، دلپیش این بود که استناد راهنمایان به یاد داشت

اصلاحاتی که به «جناب‌عالی» خورد

خسرونجدی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اینکه به کار تیمی عادت دارد و به آن علاقه‌مند است، درباره همکاری با عادل تبریزی در نگارش این پروژه یادآور می‌شود: «از نظر من کار تیمی بهتر از کار یک‌نفره است و باز خوردی هم که به مخاطب می‌دهد، همیشه بهتر است. از سوی دیگر عادل تبریزی کارگردان طنزای است و می‌توانست در به کار بردن طنز در فیلمنامه به من کمک کند، ما بسیار سریع با یکدیگر همراه و همدل شدیم. به‌عنوان مثال من قصه را که می‌نوشتم، ایشان به‌گونه‌ای متن را می‌خواند که به‌خنده می‌افتادم پس به این نتیجه رسیدم عادل تبریزی می‌تواند متنی را که می‌نویسم، بیشتر کند.»

وی ادامه می‌دهد: «من در این پروژه عادل تبریزی را آکارگردانی پرا انرژی و حسگی ناپذیر یافتم و تجربه کار کردن با ایشان برای من که نویسنده‌ای آرام، اهل سکوت و درون‌گرا هستم، بسیار جالب بود. حتی جلسات اول انرژی ایشان برام تعجب‌برانگیز بود اما پس از مدتی با معاشرت با ایشان لذت بردم و بسیار سریع باهم هماهنگ شدیم و مطمئن شدم اگر یک نفر بتواند متن این سریال را به‌اصطلاح خوب در بیاورد، عادل تبریزی است.»

خسرونجدی در ادامه با اشاره به اینکه تلویزیون تبلیغات کافی برای اثر در نظر نگرفته است، عنوان می‌کند: «مخاطبان آنچنان اطلاعی از پخش سریال در تلویویون پلاس ندارند و ای کاش با این اثر مهربان‌تر برخورد می‌شد اما رضایت مخاطب از این اثر بالا و حتی شوکه کننده است و من خوشحالم که مردم آن چیزی که ما به‌دنبال آن بودیم، از سریال دریافت کرده‌اند ما من‌ظور هنرمندان است جرأت نقد کردن خود را نداریم اما واقعیت این است که وظیفه ما نقد کردن مسائل سیاسی و اجتماعی است البته حال که هیچ جا چنین فرصتی بریمان فراهم نمی‌کند، حداقلش این است که مؤسسه‌های دولتی ما نقد حوزه هنری این اختیار را تحت چارچوب خود به هنرمندان بدهند که گاهی حرف دل مردم باشند.»

یادداشت

رضا صائمی:منتقد

نگاهی به سریال «جناب‌عالی»

قصه‌ها و غصه‌های «امیرعلی»



عادل تبریزی که سال‌ها دستیار کارگردان‌های صاحب‌سبک سینمای ایران همچون مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی و رسول صدرعاملی بوده و نخستین فیلم سینمایی‌اش را با نام «گیج‌گاه» در بستر کمدی دهه‌شصتی ساخته، اینک در نخستین تجربه سریال‌سازی برای نمایش خانگی با نگاهی متفاوت و با لحنی کمدی به سراغ سوزو‌های رفته که کمتر به آن پرداخته شده. به‌عبارت دیگر این سریال به‌عنوان نخستین اثر نمایشی اختصاصی تلویویون پلاس به نمایش درآمده است و با نگاهی طنزانه به مشکلات و مصایب سیستم‌های اداری کشور که یک درد مشترک بین طیف‌های مختلف مخاطب است پرداخته؛ گرچه به‌واسطه تمرکز قصه بر مسئله بیکاری و شغل ، مخاطب اصلی این سریال جوانان و خانواده‌هایشان هستند.

انتخاب این سوزوّه در واقع یک ظرفیت مخاطب‌پذیری پیش‌ماندگی دارد که برآمده از هوشمندی کارگردان و تهیه‌کننده در ساخت یک‌سریال برای نمایش خانگی است. ضمن اینکه تازگی و بکربودن آن هم مزید بر علت است تا با قصه‌ای مواجه شویم که یکی از مسائل مبتلابه جامعه را به‌ی‌زبان و بیان طنز و البته رویکردی انتقادی روایت می‌کند.

قصه با یک موقعیت استخدای آغاز می‌شود که در فرایند آن انواع و انبوهی از سازوکارهای اداری و بوروکراسی به‌مثابه موقعیت‌های دراماتیک برساخته شده و کمدی قصه در دل آن شکل می‌گیرد. در واقع موقعیت امیرعلی در این قصه واحد یک موقعیت دوگانه در نسبت با ساختار و ژانر اثر است؛ هم قصه بیکاری و مصایب آن را باز‌نمایی می‌کند به‌ویژه بیکاری اقشار تحصیل کرده و هم به‌واسطه فرایند جست‌وجوی کار به نقد ساختار اداری و مانع‌تراشی‌ها و تا‌کار آمدی‌های آن دست می‌زند. در واقع یک موقعیت ترازودی به زان و لحنی کمدی باز‌نمایی و روایت می‌شود. آنچه شکل می‌گیرد در واقع با محوریت کمدی موقعیت صورت‌بندی شده که با طنز‌های کلامی و شخصی هم گره می‌خورد. گرچه این شوخی‌ها و طنز‌ای‌ها در نسبت با سیستم اداری کشور صورت می‌گیرد اما به‌دلیل ربط آن به‌سوسو‌های مدیریتی کلان می‌توان به جرأت این سریال را اتفاقی مثبت و قدیمی رو به جلو در طنز سیاسی هم دانست.

با اینکه «جناب‌عالی» سریالی ۱۳قسمتی است اما به‌واسطه ساختار و روایت سینمایی آن از پلان‌ها و سکانس‌های اضافی پرهیز کرده و قصه‌های ساده را شسته‌رفته روایت می‌کند. شاید دور از واقعیت نباشد که بگویم تبریزی با نگاهی منمائی سریالش را ساخته تا آن را از اضافه‌گویی‌های کشدار و طشتابار نجات دهد. این تمهید به ریتم و ضرباهنگ تندتر روایت هم کمک کرده که تناسبی فریمیک نیز با ساختار ژانری اثر دارد. از دیگر ویژگی‌های متمایز این سریال باید به استفاده از برخی بازیگران قدیمی مثل منوچهر آذری اشاره کرد که هم توانمندی‌های خاصی مثل بداهه‌پردازی کلامی در نقش‌های کمدیک دارد و هم کارکردی نوستالژیک برای مخاطبانی که سال‌هاست او را در یک مجموعه نمایشی ندیده‌اند. استفاده از فیکه و ظرفیت‌های کمدیک آن هم یکی دیگر از تمهیدات درخبره سریال است که در اینجا از لجه مشهدی بهره می‌برد. امیر محاسباتی و جواد سلطانی که هویت دایی خانواده را شکل می‌دهند، لجه مشهدی دارند که می‌تواند به تلمیظ زبانی سریال کمک کند. به‌نظر می‌رسد استفاده از لجه مشهدی نوعی ادای دین کارگردان به زادگاه خود هم باشد.

سریال جناب‌عالی گرچه قرار است در یک کمدی موقعیت به نقد بیگ و ضعف اجتماعی بپردازد اما در عین حال می‌توان آن را قصه‌ای شخصیت‌محور هم دانست که حول محور امیرعلی با بازی خوب امیرحسین رستمی پیش می‌رود. سلامت اخلاقی و پاک‌دستی و سادگی امیرعلی با خلایقت‌های طنزانه‌ای که در کنبه بازی رستمی به‌ویژه زبان بدن و میمیک صورتش درهم تنیده شده و بر جاذبه شخصیت امیرعلی که قهرمان قصه است، افزوده است.

نوع شخصیت پردازی امیرعلی با ویژگی‌هایی که از بازیگر آن برشمریم حس همدلی، صمیمیت و همدات‌پنداری عمیقی را نسبت به او در مخاطب ایجاد می‌کند و مخاطب را نسبت به وضعیت او نگران و پیگیر می‌سازد. شخصیتی که انگار معصومیت از دست‌رفته انسان امروز را در گذشته به یاد می‌آورد و در لایه‌های درونی و معنایی خود بر جداییت انسان‌های شریفی تأکید می‌کند که در جامعه کنونی چه موقعیت دشواری را تجربه می‌کنند.

به‌طور کلی شخصیت پردازی سریال ، سو‌هایه رئالیستی داشته و دل واقعیت‌های اجتماعی بیرون آمده چنان‌که به‌عنوان بیننده حس می‌کنی آنها را می‌شناسی و در زندگی واقعی پیرامون خود دیده‌ای. سریال جناب‌عالی به‌واسطه لحن طنزانه و کم‌دی خود واجد قدرت سرگرم‌کنندگی است اما آنچه در پس آن مهم است آگاهی بخشی آن در پس رویکرد انتقادی به سوزو خود است که قرار است سو‌ی‌های کمکپ قصه را در خدمت بهبود و اصلاح جامعه از طریق بیان انتقادی به سیستم ناکارآمد اداری صورت‌بندی کند.

